

افندراج

شوریهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



«تربیت اخلاقی» از مهم‌ترین ساحت‌های تربیت است. عالمان اخلاق و تربیت معتقدند: اگر فرد انسانی بر اساس اصول و معیارهای اخلاقی تربیت شود جامعه نیز اصلاح و تربیت می‌شود. اما معنا و مفهوم تربیت اخلاقی چیست و رابطه تربیت و اخلاق چگونه تبیین می‌شود؟ روش‌ها و موانع کدام است و... در این مجال کوشیده‌ایم تا نظر چندتن از اساتید حوزه اخلاق و تربیت را در خصوص سؤالات فوق جویا شویم. در این نظرخواهی آقایان دکتر محمدناصر سقایی بی‌ریا (مشاور رئیس جمهوری و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره))، مسعود آذربایجانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده حوزه و دانشگاه) و عبدالعظیم کریمی (استاد دانشگاه و عضو هیأت علمی پژوهشکده آموزش و پرورش) شرکت کرده‌اند.

تربیت اخلاقی؛ عوامل، موانع و روش‌ها *

دکتر **«تربیت اخلاقی» به چه معناست و چه ارتباطی با سایر قلمروهای تربیتی دارد؟**

دکتر آذربایجانی: بحث را باید با تعریف «تربیت اخلاقی» شروع کنیم تا بتوانیم به مسائل پیرامونی آن بپردازیم. از آن‌جا که اصطلاح «تربیت اخلاقی» یک اصطلاح مرکب است، باید در آغاز آن را تجزیه کنیم و ببینیم



که «تربیت» چیست و «اخلاق» به چه معنا است. از «تربیت» آغاز می‌کنیم؛ مقصود از تربیت، شکوفایی و پرورش استعدادها و درون‌مایه‌های دست اول انسان است. شکوفایی، استخراج است و پرورش، رشد دادن انسان و بالاآوردن او از سطح نخستین. در این تعریف نکاتی وجود دارد:

- ۱- برانگیختن و بیدارکردن ۲- رشد دادن، پرورش و ارتقا. بنابراین تربیت، اطلاع دادن و علم‌آموزی نیست، همچنین صرف رفع موانع هم نیست، بلکه برانگیختن هم هست.

اکنون به اخلاق می‌پردازیم، مراد ما از اخلاق در این جا همان معنای عام اخلاق است که هم شامل صفات و ملکات می‌شود و هم رفتار را در بر می‌گیرد. عده‌ای بر ملکات تأکید می‌کنند و رفتارها را تنها به عنوان مقدمات ملکات می‌پذیرند ولی به نظر ما، خود رفتار و مثلاً «دروغ نگفتن» موضوعیت دارد. حال بر اساس آنچه که گفتیم می‌توان «تربیت اخلاقی» را چنین تعریف کرد: «چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی انسان برای تثبیت و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی به منظور نیل به مکارم و فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی».

اما در باب رابطه تربیت اخلاقی با سایر قلمروها می‌توان به نکاتی اشاره کرد:

- ۱- تربیت اخلاقی نسبت به ساحت‌های دیگر تربیت مهم‌تر و مقدم است؛ چرا که اولاً تربیت اخلاقی زیربنای تربیت جنسی، اجتماعی، عاطفی و... است؛ ثانیاً تربیت اخلاقی از دو جهت فراگیرتر از سایر ساحت‌های تربیتی است؛ هم دربرگیرنده همه ابعاد و ساحت‌های شخصیت انسان است، اعم



از ابعاد ظاهری و ساحت‌های جوانحی و باطنی؛ به طوری که امروزه حتی از اخلاق باور صحبت می‌کنیم که به ابعاد باطنی مربوط است، و هم دربرگیرنده همه مراحل رشد انسان - کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و سالمندی - است و در هیچ دوره‌ای از دوران زندگی متوقف نمی‌شود.

۲- تربیت اخلاقی نوعی اعتدال در انسان ایجاد می‌کند و این اعتدال موجب می‌شود که ساحت‌های دیگر انسان هم به تناسب، رشد و پرورش یابد. از طرفی، تربیت اخلاقی برای انسان امکان جامعیت و بهره‌گیری بیشتر فراهم می‌آورد. مثلاً امروزه تأثیر گناه بر معرفت امری است پذیرفته شده، از این رو تربیت اخلاقی که ما را از معاصی و گناهان مصون می‌دارد، امکان بهره‌مندی از معارفی را برای ما فراهم می‌آورد که بدون آن این بهره‌گیری ممکن نیست.

تربیت اخلاقی شامل چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی انسان برای تثبیت و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی به منظور نیل به مکارم و فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است.

۳- تربیت اخلاقی با سایر قلمروها رابطه دو سویه و نوعی تعامل دارد. مثلاً تربیت اخلاقی در رشد اجتماعی و خانوادگی و عقلانی مؤثر است و در مقابل، تربیت اجتماعی و عقلانی نیز بر تربیت اخلاقی تأثیرگذار است. دکتر بی‌ریا: تربیت اخلاقی به معنای فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای رشد اخلاقی افراد و رهنمون شدن افراد به زیر ساخت‌های اخلاق اسلامی

است. به عبارت دیگر پیش شرط‌هایی از قبیل اعتقاد به مبدأ و معاد و اتخاذ بندگی و قرب خدای متعال به عنوان راه کلی و هدف زندگی است، که برای ایجاد اخلاق اسلامی در افراد مستعد و بهره‌گیری از انگیزه‌های معنوی افراد جامعه به خصوص جوانان برای ایجاد ابعاد اخلاقی / اسلامی در شخصیت آن‌ها بسیار مهم است. به عبارت دیگر، اول فراهم آوردن شرایط لازم برای رشد اخلاقی؛ دوم، دادن آموزش‌های لازم در این زمینه و در مرحله سوم کمک به پایبندی اخلاقی افراد به اهداف، شیوه‌ها و راهبردهای اخلاق اسلامی و در نتیجه، ساختن شخصیت اخلاقی آحاد جامعه برای دستیابی به سعادت فرد و جامعه اسلامی است.

دکتر کریمی: تربیت اخلاقی از یک نظر، یعنی بارآمدن و تربیت شدن به گونه‌ای که فعل اخلاقی به سهولت و آسانی و بدون کنترل‌های بیرونی و چشم داشت‌های مادی، از آدمی، سر بزند.

تربیت اخلاقی رهیافتی است به سوی اخلاص، یگانگی، صمیمیت، پاکی و درستکاری که زیبایی خُلق، تزکیه نفس و رستگاری را به دنبال دارد.

تربیت اخلاقی در یک کلام یعنی «آدمی همان ارزد که می‌ورزد. در واقع ارزش آدمی به همان چیزی است که از خود بروز می‌دهد». از سوی دیگر اخلاق، تعیین‌کننده سطح رشد و کمال آدمی در عرصه روابط خود با خدا، جامعه و طبیعت است و از همین جا قلمروهای تربیت اخلاقی گشوده می‌شود. زیرا اخلاق بدون ارتباط با دیگری و دیگران معنا ندارد. رفتار اخلاقی در خلأ رخ نمی‌دهد بلکه در جغرافیای خود که ابعاد آن از



خَلَقَ به حق و از حق به خَلَقِ است و در «اسفار اربعه» ملاصدرا بیان شده است، نمایان می‌شود.

تربیت اخلاقی در یک کلام یعنی «آدمی همان
ارزد که می‌ورزد. در واقع ارزش آدمی به
همان چیزی است که از خود بروز می‌دهد».

راه‌پوش روش‌های تربیت اخلاقی (خصوصاً روش‌هایی که از یاد
رفته و کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند) کدامند؟

دکتر آنر بایجانی: در بحث روش‌ها ابتدا به دو نکته اشاره می‌کنم:

۱- این روش‌ها گستره وسیعی دارند و می‌توانند روش‌های «دیگر
تربیتی»، «خود تربیتی»، «روش‌های عام»، «خاص»، «شناختی»، «عاطفی»،
«رفتاری» و... را در برگیرند. منظور ما از «روش» چارچوب‌ها و قوانین
کلی است که هر یک مستقیماً یا به کمک روش‌های دیگر، ویژگی
رسانندگی به مقصد را دارا هستند. البته هر روش ممکن است فنون و
تکنیک‌های جزئی‌تری هم داشته باشد.

ما وضع موجودی داریم و وضع مطلوبی؛ که آن را از نظام ایده‌آلی
می‌گیریم که دین به ما می‌گوید. حال برای رسیدن به آن وضع مطلوب به
روش نیازمندیم. در این مسیر باید توجه داشته باشیم که روش‌های
«دیگرتربیتی» مقدم بر روش‌های «خودتربیتی» است، چون سهل‌تر است؛

حال آن که روش‌های «خود تربیتی» پیچیده‌تر و محتاج مهارت‌های بالاتری است.

۲- روش‌های عاطفی در تربیت اخلاقی بسیار اهمیت دارد. این روش‌ها در تغییر رفتار و صفات بسیار مؤثرترند و این در روان‌شناسی هم ثابت شده است. در مباحث زیستی نیز آمده که تأثیر سیستم لیمبیک (مرکز عواطف) بر مغز بسیار زیاد است. در حوزه مباحث هوش هیجانی نیز به نقش روش‌های عاطفی توجه شده و بر تأثیر عواطف و هیجانات بر انسان تأکید شده است، در بحث روان‌شناسی اجتماعی نیز روش‌های عاطفی در تغییر نگرش بسیار مؤثر است. (روش‌های عقلانی و شناختی نیز در جای خود مهمند و باید تربیت عقلانی صورت گیرد؛ اما باید توجه داشته باشیم که تأثیرگذاری روش‌های عاطفی بیشتر است).

اکنون با طرح این دو نکته، به ذکر بعضی از روش‌ها می‌پردازیم.

روش‌های دیگر تربیتی:

۱- ایجاد محیط تربیتی مساعد و ایجاد فضای معنوی و اخلاقی

مناسب: این مسأله، هم از جهت شرطی‌سازی و هم از جهت طرح الگوهای اخلاقی و هم از جهت مشاهده، تأثیرگذار است. ایجاد فضای معنوی و تربیتی نیز یکی از روش‌های بسیار تأثیرگذار یک معلم به شمار می‌رود.

این روش تکنیک‌هایی هم دارد که به مواردی اشاره می‌کنیم: زمینه‌سازی که شامل انتخاب همسر، انتخاب نام فرزند، انتخاب محل زندگی، محل تحصیل، محل اشتغال و... می‌شود. استفاده از الگوسازی،



چرا که اساساً خود الگوها سازنده محیطند. این هم با احیای اسوه‌های گذشته ممکن است و هم از طریق برجسته نمودن افراد متخلق و اهل فضیلت حاضر. سالم‌سازی محیط و تنزیه و پاک‌سازی آن از طریق امر به معروف و نهی از منکر و...، که برای بقای سلامت محیط هم مؤثر است. تغییر موقعیت و تغییر محیط در شرایطی که دیگر نمی‌توان بر محیط غلبه کرد (هجرت).

۲- تأمین صحیح نیازها: این روش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در روایات هست که فقر، ایمان را از بین می‌برد و در قرآن هم آمده است که خداوندی که شما را اطعام کرده و امنیت داده را پرستش کنید. این نمونه‌ها می‌رساند که تأمین نیازها در مراحل پایین و سطوح اولیه تربیت اخلاقی، بسیار اهمیت دارد. کسی مثل مازلو حتی می‌گوید که بدون تأمین این نیازها، نیازهای بالاتر اصلاً درک و احساس نمی‌شود.

۳- تکریم شخصیت: به جای مخالفت و مقابله مستقیم با رذالت‌ها، باید غیر مستقیم و با تکریم، افراد را به نوعی شخصیت برسانیم، تا او خود را آلوده نکند و از رذالت‌ها دوری گزیند. علوم انسانی بعضی از شیوه‌های تکریم شخصیت را می‌توان چنین برشمرد: اکرام و احترام، توجه مثبت، محبت بدون شرط (محبت معامله نیست و بدون هیچ شرطی و با توجه به نفس وجود فرد باید صورت گیرد)، اغماض (در بعضی روایات دو ثلث اخلاق، «اغماض» دانسته شده است؛ ما با اغماض و تغافل مانع از آن می‌شویم که شخصیت و کرامت فرد شکسته شود)، مسؤولیت دادن و...



۴- دعوت به ارزش‌های اخلاقی: از طریق روش‌های موعظه‌ای و شرکت در مجالس اخلاقی و... این مجالس وعظ بسیار مهم است، چرا که همه به موعظه محتاجند. بعضی از شیوه‌های دعوت به ارزش‌های اخلاقی عبارتند از: موعظه (که جنبه عاطفی قوی دارد)، انذار و تبشیر، داستان‌گویی، تمثیل (که در همه جنبه‌های عاطفی وجود دارد) و... می‌توان به روش‌های دیگری مانند روش عقلانی و عبرت‌آموزی و... هم اشاره کرد که باید به موازات روش‌های عاطفی در جهت پرورش عقلانی و عقلانیت انجام گیرد؛ اما باز باید توجه داشت که تأثیرگذاری روش‌های عاطفی، بسیار بیشتر است.

روش‌های خود تربیتی:

با رسیدن به سطوحی از تربیت باید بر روش‌های خود تربیتی تأکید کنیم. اکنون به بعضی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- **مداومت بر عمل:** ارسطو می‌گوید همان‌طور که ما از طریق خانه‌ساختن «بنا» می‌شویم، با اعمال شجاعانه هم شجاع می‌شویم و با کارهای سخاوتمندانه، سخاوتمند می‌شویم. بنابراین رفتارهای ما هستند که صفات ما را می‌سازند و صفات ما هستند که شخصیت ما را شکل می‌دهند.

۲- **نظارت بر خود:** در این‌جا سطح روش‌ها بالاتر آمده و پیچیده‌تر شده است. در این روش باید اراده را به کار بگیریم و بر عمل مداومت کنیم و بر خود نظارت کنیم. این نظارت عبارت است: توبه، مراقبه، محاسبه و... که مهمترین آن‌ها، همان مراقبه است.



۳- روش پرورش ایمان: این جاست که ما به یک ریاضت درونی می‌رسیم. شیوه‌های این مسیر عبارت است: «عبادت و عمق دادن به آن»؛ «ذکر»، چیزی که در قرآن کثرت آن موضوعیت دارد و نه خود آن؛ «نیایش»، که ارتباط و گفتگوی مستقیم با خداوند است و احساس حضور او که کرامت نفس می‌آورد و «محبت به اولیا و مؤمنان حقیقی».

دکتر بی‌ریا: اولین قدم در اسلام تزکیه مقدماتی است؛ یعنی دادن آگاهی و ایجاد انگیزه برای رسیدن به کمال که در گرو صفات و افعال اخلاقی است. از این مرحله به بیداری یا یقظه یاد می‌شود. اگر این مرحله به خوبی انجام شود مراحل بعد با سهولت بیشتری طی خواهد شد. این مرحله نظیر ایجاد تشنگی قبل از تقدیم آب است. در دستگاه تربیتی ما، برنامه مشخصی برای تأمین این نیاز تعریف نشده، گرچه در حوزه‌های علمیه در قالب درس اخلاق و ضمن سخنرانی‌های مذهبی به آن پرداخته می‌شود؛ در حالی که لازم است در همه سطوح جامعه به این مهم اقدام شود و برنامه ریزان تربیت عنایت جدی به این مرحله که سکوی پرش و پرواز به سوی معنویت و اخلاق است داشته باشند. خدای متعال در جوانان به صورت فطری در سنین ۱۴ - ۱۵ سالگی نسبت به جهان و آینده خود نوعی حساسیت قرار داده که سؤالاتی را که مقدمه بیداری آن‌ها را فراهم می‌کند، در ذهن آن‌ها بر می‌انگیزد.

دکتر کریمی: روش‌هایی که از یاد رفته و یا تحریف شده است روش‌های وجودی و شهودی است که امروزه روش‌های فرمولی و کتابی جای آن را گرفته است. روش‌های شهودی در تربیت اخلاقی، معطوف به

اکتشاف ارزش‌ها از درون است؛ اما روش‌های مستقیم و آموزشی، معطوف به اکتساب ارزش‌ها از بیرون است. در روش‌های غیر مستقیم و شهودی، اخلاق به منزله یک نیاز درونی و پایگاه ارزش‌سازی شخصیت تلقی می‌شود. در این روش‌ها هیچگونه آموزش رسمی صورت نمی‌گیرد بلکه ارتباط دل با دل، وجود با وجود است. همه نیات و افکار و ارزش‌ها و پیام‌های مرئی و نامرئی از سینه به سینه منتقل می‌شود.

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها از ره پنهان صلاح و کینه‌ها روش‌های نمادین، غیر مستقیم، غیر کلامی و نامرئی از جنس شهود و کشف است که پایگاه آن در قلب است و فقط از طریق دل قابل دسترسی است.

روش‌های شهودی در تربیت اخلاقی، معطوف به اکتشاف ارزش‌ها از درون است؛ اما روش‌های مستقیم و آموزشی، معطوف به اکتساب ارزش‌ها از بیرون است.

اقتراح *



در مسیر تربیت اخلاقی چه موانع عمده‌ای را می‌شناسید؟
دکتر آذر بایجانی: موانع تربیت اخلاقی دو دسته‌اند: محیطی و شخصی.

موانع محیطی: ۱- رسانه‌ها، که به دلیل حضور گسترده و نزدیک خود، بر مخاطبان بسیار تأثیرگذارند. امروز رسانه‌ها به شکل وسیعی بر زندگی

مردم حاکمند و از خانواده‌ها هم به مخاطبان خود نزدیک‌ترند و به آسانی الگوهای نابجایی را تحمیل می‌کنند. این رسانه‌ها از طریق اشتغالات فراوانی که به وجود می‌آورند و تصویرسازی فراوانی که همراه با امور شنیداری عرضه می‌کنند، مانع بزرگی را در مسیر تربیت اخلاقی ایجاد می‌کنند. ۲- دوستان و همنشینان ۳- خانواده نامناسب.

موانع شخصی: ۱- ضعف اراده، بزرگان گفته‌اند اراده انسان را بیداری بین‌الطلوعین تقویت می‌کند، همچنین روزه‌داری و دوری از گناهان نیز بر تقویت اراده تأثیرگذارند؛ ۲- اشتغالات و انبوهی گرفتاری‌ها؛ ۳- غفلت؛ ۴- تسویف و کار را به بعد انداختن، تسویف بسیار خطرناک است، باید اکنون را مغتنم دانست. لذا گفته‌اند که صوفی ابن‌الوقت است؛ یعنی قدر اکنون و حالا را می‌داند. تسویف باعث ضعف اراده می‌شود و این به نوبه خود کار ما را مشکل‌تر می‌کند.

دکتر بی‌ریا: عدم توجه برنامه‌ریزان به لزوم تربیت مریبان اخلاق در سطح کلان و استفاده از آن‌ها در همه مقاطع و سطوح جامعه یکی از موانع اصلی و خلأهایی است که لازم است پر شود. در حوزه‌های علمیه قدم‌هایی برداشته شده ولی یک جهش نیاز است تا همه بخش‌های جامعه تحت پوشش قرار گیرند. باید توجه داشت که تربیت اخلاقی در گرو اطلاع مربی از عملکرد و حالات متربی است، که از راه رسانه‌های جمعی به طور کامل میسر نیست و روش مستقیم را می‌طلبد. خلأ دیگری که در جامعه وجود دارد، عدم دسترسی به مشاوره دینی است که در صورت وجود چنین مشاورینی، افراد به سوی دینداری و اخلاق اسلامی سوق

داده می‌شوند. عدم توجه مربیان در خانواده یعنی پدر، مادر و نزدیکان به تربیت اخلاقی نیز از کمبودها و موانع راه است. وجود بوق‌های تبلیغاتی فرهنگ غربی و تهاجم فرهنگی یکی از موانع بزرگ دیگری است که بر سر راه تربیت اخلاقی وجود دارد. با این همه این حقیقت باعث دلگرمی است که اگر جرقه بیداری اخلاقی زده شود، همه آن تبلیغات مثل خاشاک در برابر سیل از بین خواهد رفت.

**عدم توجه مربیان در خانواده یعنی پدر،
مادر و نزدیکان به تربیت اخلاقی نیز از
کمبودها و موانع راه است.**

دکتر کریمی: برای پاسخ به این سؤال یک عبارت پارادوکسیکال یا متناقض‌نمایی وجود دارد که در این جا ما را در تبیین منظور خود در رابطه با موانع تربیت اخلاقی یاری می‌رساند و آن این که گفته‌اند:

انسان، مشکل انسان است!

و تربیت کردن، مانع تربیت شدن است!

حال شاید بتوان گفت، اخلاقی کردن آدمی نیز مانع اخلاقی شدن اوست؛ یعنی اگر فعل اخلاقی را که باید با نیت درون و با میل و اراده و اختیار آدمی همراه باشد، بخواهیم بر اساس اصول و فنون، حساب و کتاب، پاداش و تنبیه و اموری از این دست به دیگران تحمیل کنیم، خود به خود جذابیت و صداقت آن فعل اخلاقی را از دست داده‌ایم و اخلاق را از یک فرایند طبیعی و درون‌زا به یک فراورده مصنوعی و بیرون‌زا در حد

انضباط‌های پادگانی تقلیل داده‌ایم. بنابراین در این‌جا مهم‌ترین مانع، نوع روش‌های به کار گرفته شده در آموزش اخلاقی است، زیرا آموزش‌های صوری و تصنعی که صرفاً بدون آمادگی لازم و به دور از رغبت و انگیزه درونی انجام بگیرد اثر معکوس به جا می‌گذارد.

بسیاری از آفات تربیت اخلاقی ناشی از کاربست همین روش‌هاست. آموزش‌هایی که محصول ناخواسته و وارونه آن عبارتند از ترویج ریا، تظاهر، دوگانگی شخصیت و نهایتاً تبدیل انسان‌های فطری و طبیعی به انسان‌های بیگانه از خود و دیگران.

آموزش‌های صوری و تصنعی که صرفاً بدون آمادگی لازم و به دور از رغبت و انگیزه درونی انجام بگیرد اثر معکوس به جا می‌گذارد.

از دیگر موانع تربیت اخلاقی، تعارض بین گفته‌ها، آموزه‌ها، شعارها و انتظارات آموزش‌دهندگان، ناصحان و واعظان اخلاقی از یک سو، و عمل، کردار و رفتار واقعی آن‌ها از سوی دیگر است. این تضاد و تعارض، انعکاس بسیار نامطلوبی در افکار و نگرش‌های افراد جامعه دارد. همان‌گونه که قرآن کریم هشدار می‌دهد که چرا آنچه را که می‌گویید عمل نمی‌کنید؟ این هشدار بهترین مصداق برای آفت‌شناسی تربیت اخلاقی در تبیین و تفسیر این مانع بازدارنده است.

اراده به طور کلی عوامل تأثیر گذار و تعیین کننده در تربیت اخلاق کدامند؟

دکتر آذربایجانی: عوامل تربیت بر اساس مبنای روان‌شناسی سه دسته‌اند: ۱- ژنتیکی و وراثتی؛ این است که گفته شده «فان العرق دسّاس» یعنی این عوامل وراثتی زمینه‌ساز است. لذا برای تربیت بعضی از افراد، باید تمهیدات بیشتری فراهم کرد. ۲- عوامل محیطی؛ که قبلاً به آن اشاره کردیم. محیط جغرافیایی، طبیعی، حکومت، رسانه‌ها، محیط اجتماعی و... ۳- عوامل ارادی؛ در دیدگاه روان‌شناسی اسلامی بر خلاف روان‌شناسی‌های غیر اسلامی، عوامل ارادی جایگاه ویژه‌ای دارند. مکتب انسان‌گرایی و کسانی مثل ویلیام جمیز هم بر اراده تأکید می‌کنند. البته هر چه در مسیر رفتار پیش رویم عوامل ارادی ضعیف‌تر می‌شود. مثلاً در مسائل جنسی در آغاز اراده مؤثر است اما با نگاه به نامحرم و صحبت با او این اراده ضعیف‌تر می‌شود.

در دیدگاه روان‌شناسی اسلامی بر خلاف روان‌شناسی‌های غیر اسلامی، عوامل ارادی جایگاه ویژه‌ای دارند.

دکتر بی‌ریا: تربیت اخلاقی فعالیت همه ارکان و ابزار و امکانات یک جامعه را می‌طلبد. مهمترین عامل وجود آگاهی‌های لازم در قالب کتاب، مقاله، فیلم، هنر و... است و در مرحله بعد جهت دهی صحیح به انگیزه‌های اخلاقی در قالب مشاوره‌های دینی و در مرحله بعد وجود مربیانی که این انگیزه‌ها و نیازها را به فعلیت برسانند.

دکتر کریمی: اگر بخواهیم بسیار کلی و شاید کلیشه‌ای بیان کنیم همان عوامل موثری که بارها و بارها گفته شده است، یعنی:

الف) خانواده (والدین): بین ساختار تربیتی و الگوهای رفتاری والدین که به طور طبیعی و عملی در روابط بین فردی در خانواده از خود بروز می‌دهند، با ساختار تربیتی و اخلاقی فرزندان رابطه مستقیمی وجود دارد. در واقع فرزندان یک خانواده همان‌گونه شکل می‌گیرند که شخصیت واقعی والدین (و نه شخصیت ظاهری ایشان) شکل گرفته است.

ب) مدرسه: نقش معلمان و مربیان در دوران دبستان و نقش همسالان در دوران دبیرستان و راهنمایی نقش ویژه‌ای است. (مناسبات انسانی کادر مدرسه با دانش‌آموزان، روابط بین فردی و گروهی دانش‌آموزان و... نیز از عوامل تأثیرگذار در محیط مدرسه‌اند).

ج) رسانه‌ها: همه رسانه‌ها به ویژه تلویزیون، برنامه‌های کامپیوتری و رسانه‌های دیجیتالی و آموزش‌های مجازی الکترونیکی در جهان امروز نظیر ماهواره، اینترنت و... از عوامل تأثیرگذار در تربیت اخلاقی‌اند.

د) تعامل و ترکیب چند وجهی: این مجموعه عوامل با یکدیگر می‌توانند ماهیت و ابعاد آن را تغییر دهند.

سؤال: چه اموری را به عنوان شاخصه‌های تحقق اخلاق می‌شناسید؟

دکتر آذربایجانی: در باب شاخص‌ها، یک قاعده عام است که همان رعایت فضایل و ترک رذایل باشد و این مهم‌ترین شاخصه است. اما به صورت خاص و ویژه می‌توان گفت که تربیت اخلاقی در غایت خود، انسان را به دو رتبه می‌سازند: ۱- رتبه عدالت اخلاقی که شاخص آن این

است که آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسندی (اعدلوا هو اقرب للتقوی) (فاعتدوا علیهم بمثل ما اعتدی علیکم) خوبی را با خوبی جواب دهی و بدی را با بدی، یعنی در این باب عدالت را رعایت کنید. اما غایت بالاتری هم هست، و آن مرتبه احسان است، «الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین»، در این مرتبه انسان باید بدی را با خوبی جواب دهد، «ادفع بالتی هی احسن» این مرتبه بالاتری است که تنها در تعالیم پیامبران می‌بینیم. این است که پیامبر فرمودند: «بعثت لا تمم مکارم الاخلاق»، یعنی خود اخلاق غایت نیست بلکه مکارم اخلاق غایت است.

❁ در باب شاخص‌ها، یک قاعده عام است
 که همان رعایت فضایل و ترک رذایل
 باشد و این مهم‌ترین شاخصه است.

شاخص‌های رسیدن به این مرتبه هم بسیار زیاد است، این‌که ما نسبت به کسی که از ما بریده و قطع رابطه کرده، طرح دوستی و ارتباط بریزیم و نسبت به کسی که به ما بدی کرده خوبی کنیم و از بدی دیگران با بزرگواری درگذریم. در دعاها هم آمده است که «یا من اظهر الجمیل، یا حسن التجاوز». بر این اساس ما وقتی به این مرحله از اخلاق می‌رسیم به نوعی، مظهر صفات نیکوی الهی شده‌ایم و این می‌رساند که در تربیت اخلاقی، سلوک عرفانی وجود دارد و ما بر اساس این سلوک به صفات الهی متصف می‌شویم.

دکتر بی‌ریا: الف) شناسایی اهداف اخلاق اسلامی و وجود انگیزه کافی برای پیگیری عملی آن از سوی افراد جامعه به ویژه جوانان؛



ب) فراگیر شدن آموزش‌ها و آگاهی‌های اخلاقی در سطوح مختلف جامعه؛

ج) وجود مشاورین دینی و دسترسی به مربیان دلسوز اخلاقی؛

د) رواج داشتن فرهنگ اخلاق اسلامی در بخش‌های شاخص جامعه.

دکتر کریمی: الف) اعتماد و صداقت و صمیمیت در میان افراد جامعه؛

ب) خوش‌رویی، سعه‌صدر، بردباری و صبوری افراد؛

ج) مهرورزی، بخشش و نوع دوستی در فرهنگ انسانی؛

و در یک کلام آنچه که در خلق پیامبر در آموزه‌های قرآن و روایی آمده است اگر تحقق یابد بهترین و ماندگارترین شاخص تحقق تربیت اخلاقی در جامعه است.

از سوی دیگر، نماد بیرونی یک جامعه مجموعه آداب و رفتار و برخوردهایی است که افراد با یکدیگر در چرخه تعامل بین فردی برقرار می‌کنند. این شاخص‌ها می‌تواند میزان پیشرفت و یا پسرفت جامعه را در رعایت ارزش‌های اخلاقی نشان دهد. در واقع فضیلت‌ها و برتری‌های یک ملت صرفاً به داشته‌ها و گفته‌ها و نوشته‌های فرهنگی آن نیست، بلکه فراتر از همه این‌ها، فضیلت یک قوم به اعمال و رفتار آن است که فرمود:

«انما تفاضل القوم بالاعمال»

جز این نیست که فضیلت هر قومی به اعمال و رفتار آن است.

آنچه که در خلق پیامبر در آموزه‌های قرآن و روایی آمده است اگر تحقق یابد بهترین و ماندگارترین شاخص تحقق تربیت اخلاقی در جامعه است.



ثرويشگاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی